

بررسی و تبیین جرم کلاهبرداری با اسناد متقلبانه در نظام کیفری

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۷/۱۱ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۹/۲۲)

روح الله شیرزادی

چکیده

کلاهبرداری در حقوق کیفری ایران از جرایم علیه اموال و اعتماد عمومی است که جوهره آن «فریب» و «بردن مال دیگری» از طریق توسل به وسایل متقلبانه است. در عمل، یکی از پرکاربردترین و در عین حال پیچیده ترین وسایل متقلبانه، «اسناد متقلبانه» است؛ اسنادی که با به واسطه جعل و دستکاری، ظاهر قانونی یافته اند یا به گونه ای تنظیم و ارائه می شوند که مخاطب را درباره واقعیت های حقوقی و مالی گمراه می کنند. این مقاله با رویکرد توصیفی تحلیلی، مفهوم سند متقلبانه و نسبت آن با جعل، استفاده از سند مجعول، و کلاهبرداری را تبیین می کند و سپس ارکان قانونی، مادی و معنوی جرم کلاهبرداری با اسناد متقلبانه را در نظام کیفری ایران واکاوی می نماید. افزون بر تحلیل عناصر، به مسئله تعدد و جمع عناوین مجرمانه، دشواری های اثباتی به ویژه در اسناد الکترونیک، و پیامدهای سیاست کیفری پرداخته می شود. نتیجه پژوهش نشان می دهد که هرچند سند متقلبانه در بسیاری موارد نقش «وسیله» برای تحقق مانور متقلبانه را دارد، اما در برخی فروض می تواند هسته اصلی فریب باشد و مرز میان جعل و کلاهبرداری را به چالش بکشد. از این رو، ارائه معیارهای تشخیصی روشن برای احراز رابطه علیت میان ارائه سند و تسلیم مال، و نیز تفکیک دقیق میان «فریب» ناشی از سند و «صرف ارائه سند مجعول بدون بردن مال» برای وحدت رویه و عدالت کیفری ضروری است.

واژگان کلیدی: کلاهبرداری، اسناد متقلبانه، جعل، استفاده از سند مجعول، عنصر مادی،

عنصر معنوی، سیاست کیفری



مقدمه

در نظم حقوقی هر جامعه، «اعتماد» سرمایه‌ای نامرئی اما بنیادین است که گردش سالم روابط اقتصادی و اجتماعی بر آن استوار می‌شود. اسناد، چه رسمی و چه عادی، ابزار تثبیت این اعتمادند؛ زیرا افراد و نهادها بر پایه محتوای سند، تصمیم‌های مالی و حقوقی می‌گیرند، تعهد می‌پذیرند، پرداخت می‌کنند، معامله می‌بندند و حقوقی را منتقل می‌سازند. به همین دلیل، دستکاری یا تولید اسناد متقلبانه تنها یک اقدام فنی یا اداری نیست، بلکه می‌تواند بنیان اطمینان عمومی به معاملات را متزلزل کند و خسارت‌های گسترده به بزه‌دیدگان و حتی بازار وارد سازد.

کلاهبرداری، در ساده‌ترین بیان، بهره‌گیری از فریب برای بردن مال دیگری است. اما در دنیای واقعی، فریب اغلب در پوشش «ظاهر قانونی» رخ می‌دهد و یکی از مهم‌ترین پوشش‌ها، سند است. فرد کلاهبردار ممکن است با ارائه مبایعه‌نامه ساختگی، سند مالکیت مجعول، گواهی اشتغال یا فیش حقوقی جعلی، قرارداد صوری، صورت حساب و فاکتور دستکاری شده، یا حتی با ساختن هویت و اعتبار حقوقی کاذب، طرف مقابل را به تسلیم مال یا امتیاز مالی وادار کند. در این میان، پرسش اصلی این است که «اسناد متقلبانه» در کلاهبرداری چه نقشی دارند و مرز آن با جعل و استفاده از سند مجعول کجاست. نظام کیفری ایران برای حمایت از اموال اشخاص و نیز پاسداری از اعتماد عمومی، مجموعه‌ای از قواعد را در قوانین کیفری و مقررات مرتبط پیش‌بینی کرده است. با این حال، پیچیدگی مصادیق، گسترش اسناد الکترونیک، سرعت مبادلات، و تنوع رفتارهای فریب‌کارانه موجب شده است که تشخیص دقیق عنوان مجرمانه، احراز عناصر جرم، و تعیین شیوه جمع یا تعدد جرایم در پرونده‌های کلاهبرداری با



اسناد متقلبانه، همواره محل چالش باشد. این مقاله تلاش می‌کند با زبان تحلیلی و ساختارمند، این چالش‌ها را روشن کند و به ارائه معیارهای کاربردی برای تبیین و تفکیک مفاهیم بپردازد.

بخش اول: مفاهیم و مبانی نظری کلاهبرداری با اسناد متقلبانه

۱- مفهوم کلاهبرداری و جایگاه آن در جرایم علیه اموال

کلاهبرداری از جرایمی است که با هدف حمایت از مالکیت و اعتماد در روابط معاملاتی وضع شده است. تفاوت آن با سرقت در این است که در سرقت، مال بدون رضایت یا با غلبه بر اراده مالک ربوده می‌شود، اما در کلاهبرداری، بزه‌دیده با اراده ظاهراً رضایت‌مند و به اتکای اطلاعات یا نمایش‌های خلاف واقع، مال خود را تسلیم می‌کند. به بیان دیگر، رضایت در کلاهبرداری «آلوده به فریب» است و همین آلودگی، رفتار مرتکب را از یک معامله مدنی صرف یا یک بدهی قراردادی جدا می‌سازد.

نقش وسایل متقلبانه در این جرم، ایجاد باور خلاف واقع یا تقویت اعتماد کاذب است. وسیله متقلبانه می‌تواند گفتار، نمایش، رفتار سازمان‌یافته، عنوان و سمت مجعول، یا سند باشد. آنچه اهمیت دارد این است که وسیله متقلبانه باید در نگاه عرف، قابلیت فریب داشته باشد و در فرآیند تصمیم‌گیری بزه‌دیده اثر تعیین‌کننده بگذارد. بنابراین، صرف دروغ‌گویی ساده، اگر در سطحی باشد که عرفاً فریب مؤثر محسوب نشود یا نتواند رابطه علیت با تسلیم مال را توضیح دهد، همواره برای تحقق کلاهبرداری کافی تلقی نمی‌شود.



۲- مفهوم سند و کارکردهای آن در فریب کیفری

سند در معنای حقوقی، نوشته یا داده‌ای است که قابلیت استناد در مقام دعوا یا دفاع داشته باشد و بتواند واقعه یا عمل حقوقی را اثبات کند. کارکرد سند در نظام حقوقی صرفاً ثبت اطلاعات نیست؛ سند ابزار اعتمادسازی و کاهش هزینه‌های مبادله است. همین کارکرد، سبب می‌شود که سند ظرفیت بالایی برای سوءاستفاده داشته باشد؛ زیرا مخاطب معمولاً محتوای سند را بر پایه ظاهر، مهر، امضاء، سربرگ، شماره ثبت یا مرجع صادرکننده می‌پذیرد و بسیاری از معاملات بر این پذیرش بنا می‌شود. در کلاهبرداری، سند می‌تواند دو نقش اصلی ایفا کند. نقش نخست، نقش «دلیل‌نما» است؛ یعنی مرتکب سندی ارائه می‌کند که وانمود می‌سازد حق یا توانایی یا مالکیتی وجود دارد. نقش دوم، نقش «فرآیندساز» است؛ یعنی سند، مسیر اداری یا بانکی یا ثبتی را برای انتقال مال هموار می‌کند و به اقدامات دیگر اعتبار می‌بخشد. در هر دو نقش، تحلیل کیفری باید نشان دهد که سند چگونه در ایجاد تصور غلط، در تصمیم بزه‌دیده، و در تحقق نتیجه مالی دخالت کرده است.

۳- تعریف سند متقلبانه و تمایز آن با سند مجعول

سند متقلبانه مفهومی گسترده‌تر از سند مجعول است. سند مجعول معمولاً سندی است که در آن ساختن یا تغییر دادن یا دستکاری به گونه‌ای انجام شده که سند از نظر انتساب یا شکل یا محتوا، خلاف واقع باشد و قانون آن را جعل تلقی کند. اما سند متقلبانه ممکن است حتی بدون تحقق جعل به معنای فنی آن، در فرآیند فریب نقش ایفا کند. برای مثال، سندی که واقعی است اما با انتساب نادرست، با حذف بخش‌های تعیین‌کننده، یا با ارائه در شرایطی که مخاطب را درباره معنا و اثر حقوقی آن گمراه می‌کند، می‌تواند متقلبانه باشد. با این حال، هر سند



مقلبانه الزاماً موجب تحقق کلاهبرداری نمی‌شود. سند متقلبانه زمانی در کلاهبرداری اهمیت کیفری پیدا می‌کند که به عنوان وسیله متقلبانه، شرط فریب مؤثر را فراهم کند و نهایتاً به بردن مال یا منفعت مالی بینجامد. بنابراین، برای تحلیل دقیق، باید سه لایه را از هم جدا کرد. لایه نخست، «تقلب در سند» یا «تقلب با سند» است. لایه دوم، «فریب بزه‌دیده» است که نتیجه روانی و ادراکی تقلب است. لایه سوم، «تسلیم مال و تحصیل منفعت» است که نتیجه اقتصادی جرم محسوب می‌شود.

بخش دوم: ارکان قانونی و ساختار جرم کلاهبرداری با اسناد متقلبانه در حقوق ایران

۱- عنصر قانونی و جایگاه قوانین مرتبط

عنصر قانونی کلاهبرداری در ایران بر پایه مقررات خاص شکل گرفته و در کنار آن، جرایم مرتبطی مانند جعل، استفاده از سند مجعول، تحصیل مال نامشروع، خیانت در امانت، و انتقال مال غیر وجود دارد که گاه با کلاهبرداری هم‌پوشانی پیدا می‌کنند. در پرونده‌های مرتبط با سند، اهمیت عنصر قانونی دوچندان است؛ زیرا تعیین عنوان مجرمانه، هم بر صلاحیت، هم بر ادله لازم، و هم بر نوع و میزان مجازات اثر می‌گذارد. از منظر تحلیل قانونی، محور اصلی کلاهبرداری همان «توسل به وسایل متقلبانه» برای «بردن مال دیگری» است. سند متقلبانه در این چارچوب، غالباً مصداق وسیله متقلبانه تلقی می‌شود. اما اگر سند در قالب جعل یا استفاده از سند مجعول نیز قرار گیرد، پرسش از تعدد جرم مطرح می‌شود. در نتیجه، عنصر قانونی در این حوزه نه فقط یک ماده قانونی، بلکه مجموعه‌ای از قواعد مرتبط است که باید با هم دیده شوند.



۲- عنصر مادی و تحلیل رفتارهای مجرمانه

عنصر مادی کلاهبرداری با اسناد متقلبانه معمولاً از چند جزء تشکیل می شود. جزء نخست، «رفتار فریبنده» است که می تواند ارائه سند متقلبانه، نمایش یا تظاهر به داشتن سمت یا مالکیت، یا تنظیم و ارائه قراردادهای صوری و اسناد دستکاری شده باشد. جزء دوم، «فریب بزه دیده» است که باید در عالم خارج قابل احراز باشد؛ یعنی بزه دیده باید بر اساس سند یا مجموعه رفتارها، دچار برداشت نادرست شود. جزء سوم، «بردن مال یا منفعت» است که نتیجه جرم محسوب می شود. جزء چهارم نیز «رابطه علیت» میان رفتار متقلبانه و نتیجه است. در بسیاری پرونده ها، سند متقلبانه نقش کلیدی در جزء نخست دارد. برای نمونه، ارائه سند مالکیت معجول یا قولنامه ساختگی می تواند بزه دیده را به پرداخت ثمن یا پیش پرداخت ترغیب کند. یا ارائه گواهی اشتغال و فیش حقوقی جعلی می تواند زمینه دریافت وام یا تسهیلات را فراهم سازد. همچنین، اسناد تجاری و بانکی دستکاری شده ممکن است باعث شود طرف مقابل کالا یا خدمات ارائه دهد یا حواله ای را بپذیرد. در تمامی این موارد، صرف وجود سند کافی نیست؛ باید نشان داده شود که سند در تصمیم بزه دیده نقش مؤثر داشته و بدون آن، احتمال تسلیم مال کاهش می یافته است. عنصر نتیجه نیز در کلاهبرداری اهمیت تعیین کننده دارد. اگر رفتار فریبنده انجام شود اما مال یا منفعتی منتقل نشود، بسته به شرایط، ممکن است عنوان شروع به جرم مطرح شود یا رفتار در قالب جرایم دیگر مانند جعل یا استفاده از سند معجول قابل پیگیری باشد. از این رو، تحلیل دقیق پرونده باید میان «تقلب موفق» و «تقلب ناکام» تفکیک قائل شود.



۳- عنصر معنوی و نقش سوءنیت در پرونده‌های سندمحور

عنصر معنوی کلاهبرداری از دو سطح قابل تحلیل است. سطح نخست، سوءنیت عام است؛ یعنی علم و اراده مرتکب نسبت به متقلبانه بودن وسیله و انجام رفتار فریبنده. سطح دوم، سوءنیت خاص است؛ یعنی قصد بردن مال دیگری یا تحصیل منفعت نامشروع. در پرونده‌های سندمحور، احراز علم مرتکب نسبت به جعلی یا متقلبانه بودن سند اهمیت زیادی دارد، زیرا گاه سند از شخص ثالث تهیه شده و مرتکب ادعا می‌کند از تقلب بی‌اطلاع بوده است. معیارهای احراز سوءنیت در چنین مواردی می‌تواند شامل رفتارهای پیشینی و پسینی مرتکب، تناقض‌گویی‌ها، سرعت غیرمعارف در مطالبه پول، امتناع از ارائه سند به کارشناسی، استفاده از کانال‌های غیررسمی، و تلاش برای خروج سریع از دسترس بزه‌دیده باشد. همچنین، در تحلیل قصد خاص، باید نشان داده شود که هدف مرتکب صرفاً حل یک اختلاف مدنی یا دریافت طلب نبوده، بلکه برنامه او تحصیل مال از طریق فریب بوده است. در اینجا تفکیک میان «نقض تعهد قراردادی» و «کلاهبرداری» اهمیت پیدا می‌کند. ممکن است شخصی قرارداد واقعی ببندد اما بعداً از انجام تعهد خودداری کند. اگر از ابتدا قصد اجرای تعهد را داشته و سپس به دلیل عجز یا اختلاف، قرارداد را انجام نداده باشد، معمولاً قلمرو حقوق مدنی و مسئولیت قراردادی مطرح است. اما اگر از ابتدا با ارائه سند متقلبانه، قصد ایجاد باور کاذب داشته و قرارداد را ابزار بردن مال قرار داده باشد، حوزه کیفری فعال می‌شود. تشخیص این مرز، نیازمند دقت در قرائن و امارات و تحلیل دقیق رابطه میان سند و تصمیم بزه‌دیده است.



بخش سوم: گونه‌شناسی اسناد متقلبانه و نقش آن‌ها در تحقق فریب

۱- اسناد رسمی و عادی و تفاوت کارکرد کیفری آن‌ها

اسناد رسمی به دلیل صدور یا تنظیم توسط مأمور رسمی و رعایت تشریفات قانونی، معمولاً از اعتبار بالاتری برخوردارند و همین اعتبار، ظرفیت فریب را افزایش می‌دهد. جعل یا دستکاری در اسناد رسمی، علاوه بر آسیب به مال اشخاص، به اعتبار نهادهای عمومی نیز لطمه می‌زند. از منظر کلاهبرداری، ارائه سند رسمی مجعول یا متقلبانه می‌تواند به سرعت اعتماد طرف مقابل را جلب کند و زمینه انتقال مال را فراهم سازد. اسناد عادی نیز هرچند از نظر تشریفات ضعیف‌ترند، اما در معاملات روزمره نقش گسترده دارند. قولنامه‌ها، رسیدها، قراردادهای خصوصی، و تعهدنامه‌ها نمونه‌های رایج‌اند. در بسیاری از کلاهبرداری‌ها، شخص با تنظیم سند عادی ساختگی یا با تقلید امضا، طرف مقابل را به پرداخت پول یا تحویل کالا وادار می‌کند. از آنجا که اعتبار اسناد عادی بیشتر به انتساب امضا و اراده طرفین وابسته است، کارشناسی خط و امضا و بررسی قرائن معاملاتی، نقش پررنگ‌تری در اثبات دارد.

۲- اسناد تجاری و بانکی به عنوان ابزار اعتمادسازی

چک، سفته، برات، ضمانت‌نامه‌ها، حواله‌ها، رسیدهای بانکی و گردش حساب، در ذهن عرف نشانه توان پرداخت یا اعتبار مالی تلقی می‌شوند. کلاهبردار ممکن است با ارائه چک‌هایی که می‌داند محل ندارد، یا با ارائه رسیدهای پرداخت جعلی، طرف معامله را به تحویل کالا ترغیب کند. گاهی نیز با دستکاری پیامک‌های بانکی، تصویر رسید انتقال وجه، یا ساخت فایل‌های جعلی از درگاه‌های پرداخت، ایجاد باور غلط می‌کند. در تحلیل کیفری، باید میان چند



وضعیت تفکیک شود. وضعیت نخست، زمانی است که سند بانکی یا تجاری جعلی است و مرتکب با علم به جعلیت، از آن برای بردن مال استفاده می‌کند. وضعیت دوم، زمانی است که سند واقعی است اما با «کاربرد فریبکارانه» ارائه می‌شود؛ برای مثال، ارائه ضمانت‌نامه‌ای که محدودیت‌ها و شروط مهم آن پنهان شده یا زمان اعتبار آن منقضی است ولی به گونه‌ای نمایش داده می‌شود که معتبر جلوه کند. وضعیت سوم، زمانی است که سند، تنها بخشی از صحنه فریب است و عامل اصلی تسلیم مال، اعتماد شخصی یا وعده‌های غیرواقعی دیگر است. در هر سه وضعیت، تحلیل سببیت و اثربخشی سند تعیین‌کننده است.

۲- اسناد هویتی و سمتی و تولید اعتبار کاذب

بخشی از کلاهبرداری‌های مبتنی بر سند، نه بر مالکیت مال، بلکه بر جعل «هویت» یا «سمت» استوار است. ارائه کارت شناسایی یا کارت کارمندی جعلی، معرفی‌نامه ساختگی، پروانه کسب یا مجوز فعالیت جعلی، یا سربرگ‌های تقلیدی، می‌تواند فرد را در جایگاه کارگزار بانک، نماینده شرکت، وکیل، یا مأمور دولتی بنشانند و زمینه دریافت پول یا امتیاز را فراهم کند. در این دسته، بزه‌دیده ممکن است به اشتباه تصور کند که با یک نهاد معتبر طرف است و به همین دلیل اقدام به پرداخت وجه یا ارائه اطلاعات می‌کند. اینجا سند متقلبانه بیشتر «اعتبار نهادی» تولید می‌کند تا «دلیل مالکیت». اهمیت این تمایز در آن است که اثبات فریب، بیشتر بر تحلیل فرآیند اعتمادسازی و القای وابستگی سازمانی متمرکز می‌شود. همچنین، در برخی موارد، قربانی نه مال فیزیکی، بلکه اطلاعات مالی یا دسترسی دیجیتال خود را می‌دهد که در نهایت به برداشت وجه منجر می‌شود.



۳- اسناد الکترونیک و چالش های نوین اصالت و انتساب

با گسترش خدمات برخط، اسناد الکترونیک به بخشی از زندگی حقوقی تبدیل شده اند. قراردادهای الکترونیکی، امضای دیجیتال، پیام های تأیید پرداخت، مکاتبات ایمیلی رسمی، و فایل های پیوست، همگی می توانند نقش سند داشته باشند. تقلب در این حوزه می تواند از طریق جعل داده، دستکاری متادیتا، ساخت صفحات پرداخت مشابه، یا نفوذ به حساب کاربری و ارسال پیام از طرف شخص دیگر رخ دهد. چالش اصلی در پرونده های الکترونیک، احراز اصالت و انتساب است. در اسناد سنتی، کارشناسی خط و امضا و بررسی کاغذ و مهر اهمیت دارد، اما در اسناد دیجیتال، موضوع به لاگ ها، امضای دیجیتال، گواهی های الکترونیکی، مسیر انتقال داده و تحلیل فنی وابسته می شود. از منظر حقوق کیفری، لازم است قاضی و ضابط و کارشناس بتوانند مسیر وقوع فریب را بازسازی کنند تا روشن شود سند الکترونیک چگونه ساخته یا دستکاری شده و چگونه در ذهن بزه دیده اثر گذاشته است. این حوزه نشان می دهد که سیاست کیفری صرفاً با تشدید مجازات کارآمد نمی شود، بلکه نیازمند زیرساخت های فنی و آموزشی و نیز همکاری نهادی است.

بخش چهارم: تمایز و جمع جرایم در پرونده های کلاهبرداری با اسناد متقلبانه

۱- نسبت کلاهبرداری با جعل و استفاده از سند مجعول

در بسیاری پرونده ها، جعل سند مقدمه ای برای کلاهبرداری است. شخص ابتدا سندی را جعل می کند و سپس با ارائه آن، مال دیگری را می برد. پرسش این است که آیا باید فقط کلاهبرداری را اعمال کرد یا جعل نیز مستقل قابل مجازات است. پاسخ در گرو تحلیل این



نکته است که جعل و کلاهبرداری دارای موضوعات حمایتی متفاوت‌اند. جعل، علاوه بر زیان مالی، اعتماد عمومی به اسناد را هدف قرار می‌دهد و می‌تواند حتی بدون بردن مال نیز جرم باشد. کلاهبرداری نیز بر حمایت از مال اشخاص و سلامت معاملات مبتنی است. بنابراین در بسیاری موارد، امکان تصور تعدد وجود دارد، به‌ویژه زمانی که جعل به‌خودی‌خود تحقق یافته و سپس در مرحله دیگری، کلاهبرداری نیز با بردن مال کامل شده است. در مقابل، اگر رفتار مرتکب تنها «استفاده از سند مجعول» باشد و هیچ مال یا منفعتی برده نشود، عنوان کلاهبرداری کامل محقق نمی‌شود و باید به جرم استفاده از سند مجعول یا در صورت وجود شرایط، شروع به کلاهبرداری اندیشید. همچنین ممکن است سندی جعل نشده باشد اما «مقلبان» باشد؛ در این حالت، عنوان جعل منتفی است ولی کلاهبرداری همچنان می‌تواند مطرح باشد، اگر شرایط فریب و بردن مال برقرار باشد.

۲- تمایز با انتقال مال غیر و خیانت در امانت

برخی پرونده‌ها ظاهری شبیه کلاهبرداری دارند، اما در ماهیت به انتقال مال غیر نزدیک‌ترند. وقتی شخص مالی را که مالک آن نیست به دیگری منتقل می‌کند و برای اثبات مالکیت، از اسناد ساختگی یا خلاف واقع بهره می‌برد، تحلیل دقیق لازم است تا روشن شود عنصر فریب و وسایل مقلبان در چه حدی بوده و آیا رفتار بیشتر به انتقال مال غیر گرایش دارد یا کلاهبرداری. از سوی دیگر، در خیانت در امانت، مال با رضایت واقعی و بر اساس رابطه امانی به مرتکب سپرده می‌شود و سپس او آن را برخلاف امانت تصاحب یا تلف می‌کند. اگر سپردن مال از ابتدا ناشی از فریب سندی باشد، پرونده از قلمرو خیانت در امانت دور می‌شود و به کلاهبرداری نزدیک‌تر می‌گردد.



۳- تعدد مادی و معنوی و آثار آن در تعیین مجازات

در پرونده های سندمحور، امکان تعدد عناوین زیاد است. ممکن است جعل، استفاده از سند مجعول، کلاهبرداری، و حتی جرایم دیگری مانند جعل عنوان یا جرایم رایانه ای هم زمان مطرح شوند. معیار مهم برای تحلیل تعدد، بررسی استقلال رفتارها و نتایج آنهاست. اگر رفتارهای مختلف در زمان های جداگانه و با اهداف مستقل تحقق یافته باشند، احتمال تعدد مادی تقویت می شود. اما اگر یک رفتار واحد، چند عنوان را در خود داشته باشد، بحث تعدد معنوی مطرح می شود و قاعده اعمال مجازات اشد می تواند مطرح گردد. برای عدالت کیفری، ضروری است که تحلیل تعدد به یک چارچوب روشن تکیه کند تا از یک سو از مجازات مضاعف غیرمنصفانه پرهیز شود و از سوی دیگر، آسیب به اعتماد عمومی و زیان مالی بزه دیده به درستی مورد پاسخ قرار گیرد. در این مسیر، نقش استدلال قضایی درباره رابطه وسیله و نتیجه، و نیز درباره اینکه جعل صرفاً ابزاری برای کلاهبرداری بوده یا ارزش کیفری مستقل داشته، بسیار تعیین کننده است.

بخش پنجم: چالش های اثباتی و سیاست کیفری در مواجهه با کلاهبرداری سندمحور

۱- دشواری های اثبات فریب و رابطه علیت

اثبات کلاهبرداری صرفاً با نشان دادن وجود سند متقلبانه تمام نمی شود. باید روشن شود که بزه دیده واقعاً فریب خورده و بر پایه همان فریب، مال را تسلیم کرده است. گاهی بزه دیده با وجود تردید، معامله را انجام داده یا به امید سود بالا وارد معامله شده است. در چنین مواردی، دفاع مرتکب ممکن است بر این محور باشد که بزه دیده آگاهانه ریسک کرده و فریب



تعیین کننده ای رخ نداده است. بنابراین دادگاه باید با دقت بررسی کند که آیا سند متقلبانه در عرف، قابلیت فریب داشته و آیا نقش آن در تصمیم بزه دیده مؤثر بوده است. رابطه علیت نیز در پرونده های پیچیده اهمیت ویژه دارد. اگر سند متقلبانه ارائه شده اما تسلیم مال بر اثر عامل دیگری مانند فشار، تهدید، یا یک توافق مستقل رخ داده باشد، نسبت دادن نتیجه به سند محل تردید می شود. از سوی دیگر، در کلاهبرداری های سازمان یافته، ممکن است چند مرحله فریب وجود داشته باشد و سند تنها یکی از آن ها باشد. در این شرایط، تحلیل زنجیره علیت و تعیین «حلقه مؤثر» برای انتساب نتیجه به رفتار مرتکب ضروری است.

۲- کارشناسی اسناد و نقش فناوری در رسیدگی

کارشناسی در پرونده های سندمحور اغلب تعیین کننده است. در اسناد سنتی، کارشناسی خط، امضا، مهر، و اصالت کاغذ مطرح می شود. در اسناد رسمی، تطبیق با دفاتر ثبتی و سامانه های مرتبط اهمیت پیدا می کند. در اسناد الکترونیک، کارشناسی باید شامل تحلیل فایل، بررسی امضاها، دیجیتال، بررسی داده های ثبت شده در سامانه ها، و تحلیل مسیر انتقال باشد. چالش عملی آن است که کیفیت کارشناسی و دسترسی به داده های فنی، در پرونده های مختلف یکسان نیست. از منظر سیاست کیفری، لازم است استانداردهای فنی واحد برای جمع آوری و نگهداری ادله دیجیتال تقویت شود تا هم حقوق دفاعی متهم تضمین گردد و هم بزه دیده به نتیجه عادلانه برسد.



۳- پیشگیری و کاهش فرصت های ارتکاب

کلاهبرداری سندمحور به طور جدی از «فرصت» تغذیه می کند. هرچه راستی آزمایی اسناد سخت تر و هزینه برتر باشد، امکان فریب افزایش می یابد. بنابراین پیشگیری موقعیتی در این حوزه نقش اساسی دارد. توسعه سامانه های استعلام برخط اصالت اسناد، آموزش عمومی برای تشخیص نشانه های تقلب، الزام نهادهای مالی و پلتفرم ها به فرآیندهای احراز هویت قوی، و افزایش همکاری بین بانک ها، دفاتر ثبت، و پلیس تخصصی، می تواند سطح فرصت را کاهش دهد. همچنین، فرهنگ حقوقی معاملات نیز مهم است. بسیاری از بزه دیدگان به دلیل اعتماد غیرمعارف، عجله در معامله، یا بی توجهی به استعلام ها قربانی می شوند. سیاست کیفری مطلوب، در کنار پاسخ دهی قضایی، باید به تقویت سواد حقوقی و مالی جامعه توجه کند.

نتیجه گیری

کلاهبرداری با اسناد متقلبانه در نظام کیفری ایران پدیده ای چندلایه است که در آن سند می تواند هم وسیله فریب و هم موتور اصلی ایجاد اعتماد کاذب باشد. تحلیل این جرم نشان می دهد که تحقق کلاهبرداری نیازمند جمع شدن چند عنصر است؛ توسل به وسیله متقلبانه، فریب مؤثر بزه دیده، بردن مال یا منفعت، و رابطه علیت میان فریب و تسلیم مال. سند متقلبانه در این میان زمانی نقش کیفری کامل پیدا می کند که در عرف، قابلیت فریب داشته و در تصمیم بزه دیده اثر تعیین کننده بگذارد. از سوی دیگر، سند متقلبانه همواره با جعل یکسان نیست و ممکن است بدون تحقق جعل فنی، در مقام ارائه و کارکرد، متقلبانه شود. همچنین، هم پوشانی کلاهبرداری با جعل و استفاده از سند مجعول و جرایم نزدیک، ضرورت دقت در تحلیل تعدد و تفکیک عناوین را برجسته می کند. اگر جعل به عنوان رفتاری مستقل به اعتماد عمومی آسیب



زده و سپس کلاهبرداری نیز به طور جداگانه با بردن مال تحقق یافته باشد، امکان تصور تعدد منطقی تر است، اما در مواردی که جعل صرفاً در دل همان فرآیند بردن مال حل شده و ارزش کیفری مستقلی نشان نمی دهد، باید از افراط در جمع عناوین پرهیز کرد و به استدلال منسجم درباره موضوع حمایت و نتایج رفتار تکیه نمود. در نهایت، رشد اسناد الکترونیک و تقلب دیجیتال، نشان می دهد که پاسخ کارآمد تنها با مجازات شدید به دست نمی آید، بلکه نیازمند ارتقای زیرساخت های راستی آزمایی، استانداردسازی ادله دیجیتال، توسعه کارشناسی تخصصی، و پیشگیری موقعیتی است. با تحقق این راهبردها، می توان ضمن حمایت مؤثر از بزه دیدگان، اعتماد عمومی به اسناد و امنیت معاملات را تقویت کرد و تبیین دقیق تری از جرم کلاهبرداری با اسناد متقلبانه در نظام کیفری ارائه داد.

• پیشنهادهای اصلاحی و راهبردهای بهبود

پیشنهاد نخست، تدوین معیارهای روشن تر در آموزش قضایی و رویه ای برای تشخیص نقش سند در فریب است، به گونه ای که دادگاه ها بتوانند با زبان استدلالی واحد، اثرگذاری سند را در تصمیم بزه دیده تحلیل کنند.

پیشنهاد دوم، توسعه ظرفیت کارشناسی تخصصی در حوزه اسناد الکترونیک و ایجاد دستورالعمل های استاندارد برای حفظ ادله دیجیتال است تا اختلاف نظرها و خطاهای فنی کاهش یابد.



پیشنهاد سوم، تقویت سازوکارهای جبران خسارت بزه دیدگان و کارآمدسازی توقیف و ردیابی اموال ناشی از جرم است؛ زیرا در بسیاری پرونده های کلاهبرداری، پاسخ کیفری بدون امکان جبران مالی، اثر اجتماعی مطلوب را ایجاد نمی کند.

پیشنهاد چهارم، حمایت از پیشگیری نهادی است؛ یعنی الزام نهادهای صادرکننده یا نگهدارنده داده ها به فراهم کردن امکان استعلام سریع و کم هزینه، تا سند متقلبانه نتواند با اتکای صرف به ظاهر، چرخه اعتماد را منحرف کند.



منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

۱. اردبیلی، محمدعلی. ۱۳۹۹. حقوق جزای اختصاصی جلد دوم جرایم علیه اموال و مالکیت. تهران. نشر میزان. چاپ جدید.
۲. حبیبزاده، محمد. ۱۳۹۶. جرایم علیه اموال و مالکیت در حقوق کیفری ایران. تهران. انتشارات سمت.
۳. خالقی، علی. ۱۴۰۰. آیین دادرسی کیفری جلد اول. تهران. شهر دانش. چاپ جدید.
۴. دهقانی فیروزآبادی، سیدحسین. ۱۳۹۷. تحلیل حقوقی جرم کلاهبرداری و مصادیق آن. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری. سال پنجم. شماره دوم. صفحات ۵۵ تا ۹۲.
۵. شامیاتی، هوشنگ. ۱۳۹۸. حقوق جزای اختصاصی جلد دوم. تهران. انتشارات مجد.
۶. صانعی، پرویز. ۱۳۹۲. حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اموال. تهران. گنج دانش.
۷. میرمحمدصادقی، حسین. ۱۴۰۰. جرایم علیه اموال و مالکیت. تهران. میزان. چاپ جدید.
۸. نوربها، رضا. ۱۳۹۵. زمینه حقوق جزای عمومی. تهران. گنج دانش.
۹. قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری. ۱۳۶۷. مجمع تشخیص مصلحت نظام. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
۱۰. قانون مجازات اسلامی. ۱۳۹۲. مجلس شورای اسلامی. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.



۱۱. قانون آیین دادرسی کیفری. ۱۳۹۲. مجلس شورای اسلامی. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

۱۲. قانون تجارت. ۱۳۱۱ با اصلاحات بعدی. مجلس شورای ملی. روزنامه رسمی.
۱۳. قانون ثبت اسناد و املاک. ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی. مجلس شورای ملی. روزنامه رسمی.

۱۴. قانون صدور چک. ۱۳۵۵ با اصلاحات بعدی. مجلس شورای اسلامی. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

۱۵. قانون جرایم رایانه‌ای. ۱۳۸۸. مجلس شورای اسلامی. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

۱۶. مقاله علمی پژوهشی: رضایی، مهدی و احمدی، سارا. ۱۳۹۹. بررسی رابطه جعل و کلاهبرداری در پرونده‌های مبتنی بر سند. فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی. سال دهم. شماره یک. صفحات ۱۱۵ تا ۱۴۶.

ب) منابع انگلیسی

۱. Ashworth, Andrew, and Jeremy Horder. ۲۰۱۳. *Principles of Criminal Law*. ۷th ed. Oxford. Oxford University Press.
۲. Dressler, Joshua. ۲۰۱۸. *Understanding Criminal Law*. ۸th ed. Durham, NC. Carolina Academic Press.
۳. LaFare, Wayne R. ۲۰۱۷. *Substantive Criminal Law*. ۳rd ed. St. Paul, MN. West Academic Publishing.
۴. Ormerod, David, and Karl Laird. ۲۰۲۳. *Smith, Hogan, and Ormerod's Criminal Law*. ۱۱th ed. Oxford. Oxford University Press.



۵. Spencer, J. R. ۲۰۰۷. "The Fraud Act ۲۰۰۶: Criminalising Lying?" *Cambridge Law Journal*. Vol. ۶۶, No. ۲, pp. ۲۲۳–۲۲۷.
۶. Williams, Glanville. ۲۰۱۲. *Textbook of Criminal Law*. ۲nd ed. London. Sweet & Maxwell.
۷. United Kingdom. ۲۰۰۶. *Fraud Act ۲۰۰۶*. London. The National Archives Legislation.
۸. United States. ۱۹۴۸, as amended. ۱۸ U.S.C. § ۱۳۴۱ Mail Fraud and ۱۸ U.S.C. § ۱۳۴۳ Wire Fraud. *United States Code*.
۹. *Model Penal Code*. ۱۹۶۲, with later revisions. American Law Institute. Philadelphia. (Sections on theft by deception and forgery).
۱۰. Casey, Eoghan. ۲۰۱۱. *Digital Evidence and Computer Crime*. ۳rd ed. London. Academic Press.
۱۱. Solan, Lawrence M., and Peter M. Tiersma. ۲۰۰۵. *Speaking of Crime: The Language of Criminal Justice*. Chicago. University of Chicago Press.